



بهره‌گیری از موسیقی در فرایند آموزش و توان بخشی کودکان با نیازهای ویژه

نویسنده: دکتر بیانگ - جیول کوی

مترجم: صغری خانم ساز

راهبردهایی جهت موسیقی درمانی

بر اساس اصول موسیقی

- موسیقی نافذ و فراگیر است و در تمامی فرهنگ‌ها حضور دارد.

- موسیقی جزئی از ماهیت و ذات انسان و نمادی از رفتار اوست؛ و نه تنها انسان موسیقی را خلق می‌کند بلکه نحوه ارتباطش با آن را نیز می‌آفریند.

طبیعت موسیقی سرگرم کننده است. انسانها از کوشش دادن به آن لذت می‌برند، با آن به وجد می‌آیند و همراه با موسیقی به بازی می‌پردازند.

- تجارب موفق با موسیقی منجر به احساسات پالایش یافته، خشنودی و لذتی می‌شود که با مفهوم وجودی انسان مرتبط است.

- رفتار در سایر زمینه‌ها نیز توسط موسیقی تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

- موسیقی تسهیل کننده‌ای جهت ظهور پاسخ‌های بدنی است. موسیقی یک منبع لذت بخش بوده، و فرصت‌هایی به منظور پیشبرد اهداف و موفقیت‌های غیر رقابتی را فراهم می‌سازد.

موسیقی حافظه را سرعت می‌بخشد و سبب می‌شود تا تجارب گذشته سریعاً به خاطر انسان آید.

- طبیعت موسیقی سرگرم کننده است. انسان‌ها از گوش دادن به آن لذت می‌برند، با آن به وجد می‌آیند و همراه با موسیقی به بازی می‌پردازند.

- موسیقی محیطی مناسب برای پیوند و ارتباط میان انسان‌ها را به وجود می‌آورد. موسیقی آشنا و محبوب محیط آرامی تدارک می‌بیند و به سرعت احساس مطبوعی را در آدمی ایجاد می‌کند، که این موضوع در فرآیند موسیقی درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- موسیقی شیوه‌ای از بیان هیجان است. پاره‌ای اوقات که انسان قادر به بیان هیجانات خود از طریق کلام نیست از موسیقی برای بیان هیجان خویش مدد می‌جوید.



موسیقی شکلی از ارتباط انسانی است. هر چند موسیقی یک زبان جهانی محسوب نمی‌شود؛ اما انسان را در برقراری ارتباط با دیگران توانا می‌سازد.

موسیقی واجد ساختار و زمان‌بندی است و ماهیت پیش‌بینی‌کننده آن، اساس کنترل اضطراب، و مشغولیت همراه با محتوا و مفهوم را فراهم می‌سازد.

موسیقی حافظه را سرعت می‌بخشد و سبب می‌شود تا تجارب گذشته سریعاً به خاطر انسان آید. و در هنگام ثبت و ضبط مطالب نیز به حفظ آنها کمک می‌کند، موسیقی تعامل با دیگران را آسان‌تر نموده و بستری جهت هدایت فرد و دیگران را مهیا می‌سازد. فعالیت‌های متقابل میان موسیقی و حافظه، موجب کسب تجارب قابل پیش‌بینی است. همکاری گروهی که موجب تسهیل و آسانی بروز رفتارهاست؛ به همراه موسیقی احساس نیاز با دیگران بودن را در فرد به وجود می‌آورد که این احساس نیز فرصت‌های قابل دسترس و پذیرفتنی برای در کنار دیگران بودن را فراهم می‌سازد. همان‌گونه که همراهی نامناسب گروهی، رفتارهای نامناسب را تأیید می‌کند.

موسیقی درمانی چیست؟

موسیقی درمانی توسط یک درمان‌گر تعلیم دیده جهت ایجاد تغییرات مؤثر بر روی الگوهای یادگیری و رفتاری کودک و با بهره‌گیری از راهبردها و اصول موسیقی‌تدارک و تجویز می‌شود این روش یکی از شیوه‌های به کار گرفته شده به منظور آموزش و پرورش افراد مبتلا به ناتوانی در فهرست قوانین کشوری و ایالتی آمریکا، مناسب تشخیص داده شده و لحاظ گردیده است.

اغلب والدین در پی یافتن یک موسیقی درمان‌گر (در کشور آمریکا) می‌باشند؛ زیرا متوجه شده‌اند که فرزندشان به وسیله موسیقی برانگیخته می‌شود و نسبت به

آن واکنش مثبت نشان می‌دهد. والدین متعجب می‌شوند اگر بدانند که موسیقی شیوه‌ای برای کمک به کودک ناتوانشان در یادگیری مهارت‌های مورد نیاز اوست. در واقع، موسیقی یک ابزار یادگیری مؤثر برای برخی از کودکان است که به نوعی به یکی از انواع ناتوانی‌ها مبتلا هستند. تأثیر این ابزار بر روی کودکان متفاوت است. موسیقی درمانی یک معجزه درمانی بر روی تمامی کودکان نیست؛ بلکه به این دلیل که موسیقی نسبت به گفتار در بخش‌های مختلف و متعددتر مغز عمل می‌نماید، کودکان آسان‌تر اطلاعات و مهارت‌های آرایه شده همراه با موسیقی را جذب و هضم می‌کنند، بعلاوه، موسیقی مشوق و مفرح نیز می‌باشد.

هنگامی که مطالب فواندنی در فصول علانم ایمنی و میات بفتش همراه با یک ترانه فاص آنها به کودک عرضه می‌شود، سبب می‌گردد تا اطلاعات دریافتی بسیار مطلوب‌تر و عمیق‌تر در ضمیر او نقش بندد.

درمان‌گری با موسیقی بر روی کودکانی که در فرایند رشد دچار آسیب و ناتوانی شده‌اند، انتخاب یک نمونه عینی از شیوه IEP است؛ تا توسط این روش کودک بتواند در خلال آموختن مطالب و مهارت‌ها و با بهره‌گیری از اصول موسیقی، از کمک‌های جنبی برخوردار شده و توسط موسیقی یاداش بگیرد. در نتیجه موسیقی درمان‌گر آهنگ‌ها، فعالیت‌های موسیقایی همراه با ساز، فعالیت‌های حرکتی و سایر اعمال و فعالیت‌هایی را که در رابطه با رویکرد به موسیقی و بیانگر طراحی مواد و موضوعات IEP است را برمی‌گزیند. برای مثال، ممکن





می‌شود، سبب می‌گردد تا اطلاعات دربارتنی بسیار مطلوب‌تر و عمیق‌تر در ضمیر او نقش بندد.
موسیقی درمانی چگونه عمل می‌کند؟

- مغز آدمی یک مغز موسیقایی است. ضرب آهنگ‌ها بر روی قوای شناختی انسان تأثیر بسیار قوی دارند. اکثر خاطراتی را که بزرگسالان از زمان کودکی خود به یاد می‌آورند، خاطراتی همراه با ریتم‌ها و آهنگ‌ها هستند.
 - اشتغال هیجانی کلید یادگیری مؤثر است. موسیقی درمانی هیجانات را در فرد برمی‌انگیزد و بنابراین مغز را گشوده و برای یادگیری آن را آماده می‌سازد.



است یک موسیقی درمان‌گر کودک ناتوانی در اختیار داشته باشد که از موضوعات خاص مربوط به خود در طرح آموزش انفرادی، پیروی می‌کند. بنابراین باید شیوه و ابزار موسیقی درمانی نیز مناسب و مطابق با IEP طراحی و انتخاب شود. مثلاً:

- بازشناسی اعداد از یک تا ده
- بیان ایام هفته به ترتیب
- استفاده از یک عبارت کوتاه به منظور ابراز تقاضا

خواندن پنج علامت ایمنی و حیات بخش

امکان دارد در خصوص موضوعات فوق، موسیقی درمان‌گر به منظور بازشناسی اعداد، همراه با آرایه کارت‌هایی که بر روی هر یک از آنها اعداد از یک تا ده نقش بسته است، برای کودک آهنگی نیز درباره هر یک از اعداد بخش نماید. و یا حتی به منظور بازشناسی مطلوب‌تر اعداد، نوار کاستی که حاوی ترانه‌ای در خصوص اعداد است به کودک

✚ اگر کلمات طویل و تلفظ صمیع واژه‌ها، با شعری موزون و قافیه دار و دل‌پذیر همراه بشوند، آسان‌تر بفاظرا می‌آیند.

حداقل هفت حیطة متمایز و مشخص هوشی در هر انسانی وجود دارد؛ که یکی از این حیطه‌های هوشی مربوط به موسیقی است. افراد دارای نیازهای ویژه، همراه با موسیقی بهتر فرامی‌گیرند. زیرا بخش پسین مغز که در رابطه با موسیقی عمل می‌نماید کمتر مورد آسیب‌های زمان تولد، سوانح و ... قرار می‌گیرد.

- غنی سازی محیط دقیقاً منجر به تهیه و بهبود عملکرد مغزی می‌شود. هوش پدیده‌ای ایستا نیست. یاخته‌های مغزی دانش‌آموزان در محیط‌های کم‌محتوا و ضعیف (از بعد محرکات متنوع و متعدد آموزش) و کلاس‌هایی که در آنها محرک لازم جهت تحریک مغزی وجود ندارد و فاقد محرک‌ها و مشوق‌های ضروری برای فراگیری هستند، از دست می‌روند. و این در حالی است که موسیقی درمانی شیوه‌ای است که در آن محیط آموزش را برای دانش‌آموز دارای نیازهای ویژه، غنی می‌سازد.

- دست زدن و آواز خواندن موجب آرامش دانش‌آموزانی

✚ دست زدن و آواز خواندن موجب آرامش دانش‌آموزانی که در وضعیت مناسب یادگیری زبان هستند، می‌شود.

بدهد و یا اینکه به جهت بیان درست ایام هفته و رعایت ترتیب آن، آهنگی که در آن ایام هفته به ترتیب آورده شده است، خوانده شود، و یا ممکن است موسیقی درمان‌گر بطور مداوم کودک را ترغیب و تشویق کند. اغلب اوقات هنگامی که دانش‌آموز متوجه می‌شود که واقعاً آنچه را که می‌خواهد، می‌تواند توسط بیان یک عبارت آهنگین دریافت دارد، عبارت مزبور به آسانی کودک را تشویق به گفتار می‌نماید.

هنگامی که مطالب خواندنی در خصوص علائم ایمنی و حیات بخش همراه با یک ترانه خاص آنها به کودک عرضه



کاهش یابد.

- اصوات و ارتعاشات موسیقی می‌تواند جایگزین موقتی برای بروز رفتار مناسب در دانش‌آموز مبتدی خودانگیخته باشد.

- موسیقی شیوه‌ای آسان برای تقویت پاسخ‌های درست است، زیرا نیاز به اسباب و آلات سنگین ندارد و در نتیجه حمل و نقل آن آسان است.

- موسیقی به عنوان تقویت‌کننده پاسخ، تقویت‌کننده‌ای است که فرد از دریافت آن اشباع نمی‌شود. زیرا اشباع و امتناع فرد دریافت‌کننده تقویت‌های غذایی یکی از مشکلات رایج است.

مطلب ذیل بیان‌گر شیوه‌هایی است که در فرایند یادگیری کیودکان مبتلا به سندرم دان (مونگلیسم) سودمند واقع شده‌اند.

کولبی بنستر:

کولبی پسر بچه‌ای هفت ساله، گروه‌گرا و جذاب است. او از تمام زندگی‌اش که شامل شرکت در کلاس حرکات موزون، رفتن به اردو، ماهی‌گیری، بازی با دوستان و خواندن کتاب می‌شود، بسیار لذت می‌برد. امسال او به کلاس اول مدرسه عادی رفته، که از سرویس دهی معلم اتاق مرجع نیز برخوردار است.

کولبی مبتلا به سندرم دان (مونگلیسم) است که سبب می‌شود تا وی کندتر از همسالانش بیاموزد. زمانی او بیش‌ترین یادگیری را دارد که مطالب جدا، با شیوه‌های متنوع و متعدد و مکرر به او عرضه شود. در حالی که نوشتن و خواندن برای کولبی بسیار آسان است، اما مهارت‌های درس ریاضی مانند مفاهیم عدد و جمع برایش خیلی دشوار می‌باشد. حافظه بسیار خوب کولبی به او کمک می‌کند تا در مهارت‌هایی که او می‌آموزد و حفظ می‌کند، ماهر گردد.

والدین کولبی تصمیم گرفتند تا موسیقی درمانی را هم

که در وضعیت مناسب یادگیری زبان هستند، می‌شود.
- ضرب آهنگ‌ها بر روی مهارت‌های شناختی اثر بسیار قوی و شدیدی دارند؛ و احتمال دارد بکارگیری راهبردهای موسیقی درمانی جهت دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه، مهارت‌های شناختی مربوط به حافظه و ثبت را در آنان استحکام بیشتری بخشد.

- به هنگام رشد و پیشرفت مهارت‌های خواندن و نوشتن، حفظ کردن ریتم‌ها و آهنگ‌ها برای دانش‌آموز سودمند است.

- تکرار مطالب همراه با ریتم و آهنگ به دانش‌آموز کمک می‌کند تا اصوات و الگوهای زبانی را درونی سازد.

- اگر کلمات طویل و تلفظ صحیح واژه‌ها، با شعری موزون و قافیه دار و دل‌پذیر همراه شوند، آسان‌تر بخاطر می‌آیند.
- آوازهای سلسله‌وار، حرکات موزون و زبان، یادگیری را افزایش می‌دهند.

- ریتم و موسیقی قلاب‌های خوبی برای حافظه هستند. بزرگسالان از دوران کودکی خود، خاطرات هیجان‌انگیزی را که همراه با آواز و ترانه باشد بهتر به خاطر می‌آورند.

- مطالعات تحقیقی بیانگر آن است که ۸۰ تا ۹۰ درصد افراد مبتلا به اوتیسم، به موسیقی به عنوان یک مشوق و شایق یادگیری، واکنش مثبت نشان می‌دهند.

- مطالعات پژوهشی حاکی است که موسیقی وسیله ارزشمندی برای تحریک نیم‌کره راست مغز است و همچنین موسیقی ترغیب‌کننده بسیار مناسبی جهت فعالیت‌های دو جانبه بین نیم‌کره‌های مغزی است.

- آن بخش از مغز که مسؤول واکنش به موسیقی است با بخش‌هایی که مسؤول گفتار و زبان در مغز است، متفاوت می‌باشد.

- موسیقی می‌تواند همراه با تقویت اولیه (غذا) به عنوان تقویت ثانویه به کار گرفته شود، تا وابستگی دانش‌آموز به پاداش‌های خوردنی برای کمک در بهبود و اکنش‌هایش،



کولبی اولین بار در تابستان ۱۹۹۰ به کلاس موسیقی درمانی رفت. در ابتدا و در طول تابستان در کلاس موسیقی درمانی که به صورت گروهی اداره می‌شد پذیرفته گردید. در پایان تابستان والدین کولبی تصمیم گرفتند تا او را به یک کلاس موسیقی درمانی خصوصی بفرستند. وقتی که کولبی موسیقی درمانی را شروع می‌نمود تنها می‌توانست با کلماتی مقطع و چند عبارت کوتاه صحبت کند. او همیشه به انجام تکالیف موسیقی درمانی خود علاقه وافری نشان می‌داد و در نتیجه ترغیب و تشویق کولبی به انجام سایر تکالیف در کنار تمرین موسیقی بسیار آسان بود. اولین تمرکز و هدف موسیقی درمانی برای کولبی توسعه و پیشرفت در خزانه لغات و افزایش زمان سخن‌گویی او بود. کولبی بسرعت نام اسباب و آلات موسیقی را فراگرفت و نام بردن سازها را از سازهای مورد علاقه‌اش و آنهایی را که نیاز داشت آغاز نمود. حتی اسامی نامتعارفی همچون کبابی را نیز فراگرفت و به تدریج جملات ساده‌ کوتاهی نیز بیان می‌کرد. مانند رنگ یا شکل اشیا و هنگامی که در خلال موسیقی درمانی حروف با آهنگ‌های متنوع و سازهای متفاوت به او نشان داده می‌شد. کولبی بسرعت آنها را می‌آموخت. نوار کاستی برای کولبی در نظر گرفته شده بود تا او در منزل و یا اتومبیل به آن گوش کند. این نوار کاست حاوی راهبردهای موسیقی درمانی با استفاده از ساز و ترانه بود. به تدریج کلاس موسیقی درمانی کولبی به یک جلسه سی دقیقه‌ای در هر هفته مبدل شد که در این جلسات مهارت‌هایی نظیر تکمیل یک آهنگ یا ریتم تا تمام یا کلمات قافیه‌دار، بلند تلفظ کردن لغاتی که ابتدا یا انتهای آنها دارای حروف مصوت بود، یادگیری لغاتی که اساساً مربوط به موسیقی است (مانند نام سازمان، بیان آهنگین کمیت اعداد از یک تا ده یادگیری آدرس و شماره تلفن خود و بسیاری از ادامه در صفحه ۳۲

امتحان کنند. زیرا همیشه کولبی به موسیقی علاقه نشان داده است و چون در حال گذراندن یک دوره کسب مهارت‌های زبانی و آموزش رسمی بود، نیاز به طی مراحل درمانی نیز داشت. هر چند در گذشته گفتار درمانی برای کولبی سودمند بود؛ اما او می‌توانست در مسیر آموزش از هر وسیله یا شیوه مفید دیگری نیز بهره‌مند شود. موسیقی درمانی شیوه متفاوتی برای تقویت اهداف طرح آموزش انفرادی یا IEP است. به نظر می‌رسید که همراهی موسیقی درمانی با یادگیری مهارت‌های خاص در تمرکز و فراگیری بیشتر اطلاعات به کولبی کمک می‌کند.

اولین تمرکز و هدف موسیقی درمانی برای کولبی توسعه و پیشرفت در خزانه لغات و افزایش زمان سخن‌گویی او بود.

دوره طرح آموزش انفرادی ارایه شده به کولبی، ابتدا بر روی کسب مهارت‌های تحصیلی، حیطه‌ای هنرهای زبان، ریاضیات، علوم، بهداشت آموزش شخصی و هنرهای زیبا اولویت بندی شده بود. بعلاوه، او در کنار آموزش کلامی از گفتار درمانی نیز استفاده می‌کرد. مواد گفتار درمانی برای کولبی شامل این موارد بود:

- انتخاب تصویری که متعلق به کلمه گفته شده نبود.
 - شناسایی اشیا از روی تصاویر و گفتن طرز استفاده یا عملکرد آنها.
 - بیان عملکرد اشیا هنگامی که نام شی مورد نظر برده می‌شد.
 - پاسخ به سؤالات در پایان شنیدن یک قصه.
 - ارایه اطلاعات شخصی خود توسط جملات کوتاه
 - درک و پاسخ به سؤالاتی که با آیا شروع می‌شد.
- و همچنین در کلاس گفتار درمانی بر روی تلفظ صحیح و شمرده حروف ک، گ و ف نیز کار می‌کردند.

